

ادامه پاسخگویی به اطلاعیه آقای علیزاده طباطبائی، وکیل سابق

با سلام و نثار دعای خیر

پاسخگویی مورخ 97/6/5 به اطلاعیه آقای علیزاده طباطبائی، وکیل سابق اینجانب فقط در حد پاسخ به شنیده های کلی در مورد این اطلاعیه بود. اما پس از مطالعه آن و با پی بردن به عمق فاجعه پیش آمده، لازم شد تا به موارد دیگری از این اطلاعیه بمنظور شفاف سازی و جلوگیری از دسیسه و پیاده شدن توطئه های جدید، پاسخ داده شود. بنابراین در ادامه توضیحات قبلی به اطلاع میرساند:

1- مسأله اعدام اینجانب بصورت غیرقانونی بمنظور ترور فیزیکی و بدنبال ترور شخصیتی گسترده توسط ضابطین (کارشناسان امنیتی ثارالله) بطور جدی پیگیری میشد، همانطور که با استناد به آرای دیوان عالی محترم کشور ثابت شد که حکم های اعدام غیرقانونی صادر شده و اساساً دستگیری و بازداشت موقت من نیز صرفاً سفارشی و فرمایشی بوده است و در این میان وظیفه وکلا جلوگیری از وقوع اینگونه موارد خلاف قانون و دفاع و حمایت از موکل خود در موارد اجحاف ها و نقض قانون و ... می باشد و از آقای علیزاده نیز بعنوان یک وکیل با سابقه همین انتظار می رفته، در حالی که ایشان از ابتدا تا انتها فقط به این فکر بوده که من توبه نامه بنویسم، بدون آن که مرتکب جرمی شده باشم. ضمن اینکه آقای علیزاده قبل از امضای وکالتنامه توسط من، هیچگونه ملاقات و مذاکره ای با من نداشته و هیچ شرط و قول و قراری نیز بین ما وجود نداشته است. وکالتنامه ایشان توسط خانم زینب طاهری، وکیل دیگر من به بازداشتگاه امنیتی 2- الف تحویل و به امضای من رسیده و مدتی بعد به اتفاق خانم زینب طاهری بمدت 20 دقیقه در محل بازداشتگاه با من ملاقات نموده و ظاهراً با میل و رقیبت تمام و ایمان به بی گناهی من، دفاع از پرونده را با همکاری خانم زینب طاهری شروع کرده اند و همه ملاقات ها با حضور این خانم بوده و کلیه ادعاهای آقای علیزاده در مورد داشتن شرط و شروط با من کذب محض است و اولین اقدام ایشان در دفاع از من هم ارسال کتبی پیشنهاد نوشتن توبه نامه بود که در بازداشتگاه به من تحویل شد که بشدت آترا رد کردم زیرا بخوبی میدانستم مرتکب جرمی نشده ام (همانطور که ثابت شد). به هر حال اگر من احساس میکردم وکیلی که میخواهد از پرونده ام دفاع کند، به بی گناهی من ایمان ندارد، به هیچ وجه امکان نداشت او را بعنوان وکیل خود انتخاب کنم.

2- اتهامات انتسابی، هیچکدام ارتباطی با موضوع "الهام" نداشته و محاکمات من به این علت نبوده است و همانطور که با گذشت زمان به اثبات رسید همه این اتهامات پاپوش بود. برای مثال: در تاریخ 89/1/29، کارشناس امنیتی ثارالله مرا به اتهامات براندازی، اقدام علیه امنیت کشور، عضو سازمان مارکسیستی چریک فدائی خلق ایران، ترور افراد متعدد و تهدید افراد متعدد به قتل دستگیر کرده اند (منع تعقیب این اتهامات متعاقب رای دیوان محترم از سوی دادسرای اوین در تاریخ 95/4/13 صادر شد) بدون آنکه این اتهامات ارتباطی به موضوع "الهام" داشته باشد. در واقع دستگیری و بازداشت موقت من کاملاً غیر قانونی و صرفاً پاپوش بوده که پس از عدم موفقیت در گرفتن

اعترافات کذب دیکته شده زوری در این موارد، مبادرت به انتساب اتهامات کذب دیگری از جمله افساد فی الارض، ارتداد، سب النبی، توهین به مقدسات، تحصیل مال نامشروع (دریافت شهریه توسط مؤسسه قانونی!)، ارتباط نامشروع! جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد متعدد، داشتن شاکیان متعدد (بدون وجود حتی یک شاکی) و ... در تاریخ 90/2/14 نمودند که این اتهامات نیز ارتباطی با موضوع "الهام" نداشتند ضمن اینکه بازداشت موقت من از بابت اتهام افساد فی الارض علیرغم دو بار مردود شناخته شدن از طرف دیوان محترم، تاکنون ادامه دارد!!!

اما اینکه آقای عزیزاده فرموده: [دستگاه های امنیتی اجازه نمیدهند کسی با چنین ادعاهایی قهرمان شود]، باید گفت: این دستگاه ها به هیچ کسی چه با ادعا و چه بدون ادعا اجازه قهرمان شدن نمیدهند و من نیز اصلاً دنبال قهرمان شدن نبودم و فقط در چارچوب یک مؤسسه آموزشی قانونی بر طبق موضوع فعالیت مجاز آموزش عرفان، مدرسه عرفان و ... چاپ کتب و مجلات قانونی، اقدام به تدریس عرفان نموده ام ولیکن بواسطه استقبال اقشار مختلف مردم از دوره های آموزشی این مؤسسه و افزایش قابل توجه کاربران آن مورد تهاجم کور کارشناسان امنیتی ثارالله قرار گرفته ام زیرا بر اساس مشی آنها هیچ جمعیتی نباید پیرامون مسائل غیر فرمایشی بیش از یک نفر جمع شوند. اما اگر این دستگاه ها به دلایلی از افراد پرآوازه (به قول فرموده آقای عزیزاده: قهرمان) و افرادی که بدون صرف زر و زور و تزویر و ریا نامشان بر سر زبان ها می افتد، ترس و واهمه دارند، مساله دیگری است و گناه آن به گردن من نیست که مجبور باشم برای رضای خاطر آنها و فروکش کردن خشم آنان، جرمی را ناکرده متقبل شوم و در برابر آن تمکین کنم و مسلماً چنین نخواهم کرد و وظیفه وکیل مدافع جلوگیری از تضییع حق است نه راضی کردن موکل خود برای تمکین در برابر عمل خلاف قانون و ناحق کارشناسان امنیتی و اسم این کار را بگذارد: نجات جان موکل.

همچنین آقای عزیزاده اعتراف میکند که حتی قبل از قبول وکالت، فشار دستگاه های امنیتی و فرهنگی (که در اصل هر دو یکی هستند) وجود داشته که مسلماً پس از قبول وکالت، این فشارها صد چندان شده است (به گفته ایشان) و این خود ثابت میکند که دستگاه های امنیتی و فرهنگی به عدالت و قانون پایبند نبوده و برای آنها هدف وسیله را توجیه میکند و هدف همان انحصارطلبی، قدرت طلبی و ... می باشد.

3- اما اگر آنچه را که ما نام معرفت پژوهی، تحقیقات طب مکمل ایرانی (فرادرمانی و سایمنتولوژی) و ... بر آنها نهاده ایم، «ادعا» بنامیم و بفرموده آقای عزیزاده امکان اثبات این ادعاها با تجربه وجود نداشت و کسی قادر نبود در این موارد چیزی را تجربه کند، پس چگونه علیرغم وجود شدیدترین فشارهای امنیتی، تخریب و لجن مال کردن همه جانبه من و عرفان حلقه با بهره برداری از کلیه امکانات رسانه ای، دستگیری تعداد زیادی از کاربران عرفان حلقه و ... این همه کاربر برای بقول ایشان این آموزه ها وجود دارد؟! اگر امکان تجربه وجود نداشت که دیگر کاربری نبود و در آن صورت با حبس و اعدامی هم مواجه نمی شدیم. همه این مشکلات و رفتار مغرضانه بخاطر موفقیت و کارایی این تجربه ها بوده که ناخواسته باعث هواداری جمعیتی غیرفرمایشی و غیر سفارشی گردید که مطابق توضیحات قبل، باعث شد تا دستگاه های امنیتی در مقابل آن موضع خصمانه گرفته و به من و این جمعیت حمله ور شوند.

4- کمک علما و مراجع محترم در راستای اصلاح و رفع اشکال فتوایی بود که بازپرس اسدی با طرح فرضیات کذب و ناروا نسبت به من از سه تن از مراجع محترم تقلید استفتا نموده و بصورت غیرقانونی مورد سوءاستفاده قرار داده بود. همانطوریکه دیوان محترم نیز در رای صادره آذر 94 در بند (سادساً) به عدم اعتبار قانونی صدور حکم با استناد به فتوای مراجع محترم تاکید نموده است.

5- عمده استدلال آقای علیزاده برای نقض حکم های غیرقانونی اعدام صادره، اشاره به صدور حکم با استناد به قانون مؤخرالتصویب 92 بوده (همانطور که در بیانیه آمده). اما دیوان محترم غیر از این مورد با ذکر چهار دلیل دیگر نیز حکم های غیر قانونی اعدام را نقض و اتهام افساد فی الارض را ماهیتاً مردود دانسته که عبارتند از: 1) عدم تطابق اقدامات صورت گرفته با قانون قدیم جرم افساد فی الارض که مهمترین دلیل رد اتهام بوده است زیرا ثابت میکند که اساساً بازداشت من به این اتهام غیر قانونی بوده است. 2) عدم تطابق با عناوین مندرج ماده 286 قانون جدید. 3) عدم وجاهت قانونی استناد به فتوای مراجع محترم تقلید. 4) عدم تطابق اقدامات صورت گرفته با آیات قرآن در جهت اثبات افساد فی الارض.

همانطوریکه ذکر شد مهمترین دلیل برای نقض حکم، عدم تطابق اقدامات با قانون قدیم (جرم افساد فی الارض) بوده است که وکیل اول پرونده خانم شادی رصدی با مطرح نمودن آن در لایحه دفاعیه خود در سال 90، باعث شد تا قاضی پیرعباسی از تأیید اتهام افساد فی الارض و صدور محکومیت برای آن منصرف شود. البته در اینصورت می بایستی برانت صادر میکرد ولیکن بصورت غیر قانونی پرونده را مفتوح گذاشت و باعث وقوع فجایع بعدی و سایر اقدامات مجرمانه سازمان یافته مقامات قضائی پس از خود گردید.

با توجه به دلایل پیش گفته، ادعای آقای علیزاده مبنی بر اینکه در رای دوم دیوان آمده: [... چون این آموزه ها قبل از تصویب قانون بوده مشمول قانون مصوب 1392 نمیشود مفهوم مخالف این استدلال آن است که اگر بعد از تصویب قانون این آموزه ها ادامه پیدا کند میتواند مشمول قانون 1392 گردد]، کاملاً غلط و جانبدارانه می باشد. زیرا، اولاً) در رای دوم دیوان عالی چنین آمده: [همانطور که در دادنامه سابق شعبه 33 دیوان عالی کشور آمده بود از آنجا که اقدامات متهم قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 انجام شده، استناد دادگاه محترم به ماده 286 قانون مزبور برای محکومیت وی فاقد وجاهت قانونی است] و همچنین: [2- بر فرض که بپذیریم ماده 286 قانون مجازات اسلامی عطف به ماسبق میشود... هیچ یک از عناوین مندرج در ماده مذکور بر اقدامات متهم انطباق ندارد]. این بند ثابت میکند که اقدامات منتسب به من ضمن اینکه طبق استنادات قبل با قانون قدیم جرم نبوده، با قانون جدید نیز جرم محسوب نمیشود، چه در حال حاضر و چه در آینده مگر اینکه مانند هشت سال گذشته، اقدامات مجرمانه سازمان یافته صورت بگیرد وگرنه من مرتکب جرمی نشده ام.

ثانیاً) در هیچ یک از آرای دیوان محترم به « آموزه » اشاره ای نشده و اصلاً مطرح نبوده است و همه اشاره ها و تأکیدها در آرا به «اقدامات» متهم می باشد. ولیکن آقای علیزاده در طرح ادعای غلط خود و عوض کردن عامدانه جای « اقدامات» : با « آموزه» توطئه جدیدی را رقم زده اند زیرا : « اقدامات» منتسب به من در آرای دیوان محترم شامل فعالیت های آموزشی در حوزه عرفان و در چهارچوب موسسه، چاپ کتب، مجلات، مقالات و... قابل خاتمه و تعطیلی می

باشد، همانطور که موسسه آموزشی من تعطیل شده و من دیگر قصد ادامه چنین فعالیتی را دیگر ندارم. ولیکن «آموزه» هرگز از میان نخواهد رفت، همانگونه که آموزه سقراط، حلاج، ملاصدرا و ... از بین نرفته و هیچگاه نیز از میان نخواهد رفت. بنابراین هیچ آموزه ای هرگز نابود نمیشود (صرف نظر از چگونگی آن). به همین علت نیز آموزه عرفان حلقه همواره باقی می ماند همانطور که آموزه های مخالفین آن نیز شامل کتب، مجلات، مقالات، فیلم ها، برنامه های رادیو و تلویزیون، سخنرانی ها و همایش ها و ... نیز از بین نخواهد رفت و همه اینها برای همیشه ثبت و ضبط هستند.

بنابراین، با توجه به توضیحات فوق، آنچه را که آقای علیزاده «آموزه» نامیده، برای همیشه خواهد ماند و قابل از بین رفتن نیست؛ بدون آنکه من و یا هرکس دیگری قادر باشیم تأثیری در بود و نبود آن داشته باشیم. در نتیجه ایشان بصورتی عامدانه با عوض کردن جای «اقدامات» با «آموزه»، زمینه ای برای کارشناسان امنیتی فراهم نموده که هر زمانی بخواهند به بهانه تداوم و در جریان بودن «آموزه ها» به سراغ من آمده و با توجه به مصونیت قضائی را که از آن برخوردارند، هر گونه مزاحمت و مشکلی را برای من ایجاد کنند، بدون آنکه مانند هشت سال گذشته تحت هرگونه پیگرد قانونی قرار بگیرند. در واقع، از این طریق به آنها خط دهی شده است تا بتوانند نقشه ها و دسیسه هایی را بر علیه من و سایر افراد به بهانه منتسب به من بوده پیاده کنند.

6- اینجانب طی مذاکره ای که آقای بابائی، مستشار شعبه 36 دادگاه تجدید نظر در تاریخ 97/5/13 با من داشت، به ایشان ثابت کردم که حکم پنج سال حبس صادره شعبه 15 (قاضی صلواتی)، بدلیل استناد به تبصره ماده 286 قانون مؤخر التصویب 92 خلاف قانون می باشد (صرف نظر از سایر دلایل). در نتیجه توافق شد شعبه 36 حکم غیرقانونی فوق را نقض کند ولی چون اجازه صدور حکم آزادی فوری مرا ندارند، صدور حکم آزادی به قاضی صلواتی واگذار شود (با احتمال اینکه ایشان مجدداً مبادرت به اقدام غیرقانونی دیگری بنمایند). همین توافق در جلسه مورخ 97/5/24 با حضور آقای علیزاده و آقای خسروی، وکلای حاضر در دادگاه به امضای طرفین رسید. البته علیرغم هماهنگی من و سایر وکلا با آقای علیزاده قبل از شروع این جلسه مبنی بر ملاک بودن فقط دفاعیه من و تأیید آن توسط وکلا و قبولاندن آن به ایشان از طریق اثبات دلایل و استنادات و توافق بعمل آمده، بازهم در جلسه دادگاه آنطور که لازم بود ایشان حمایت نکرد و اقدام به طرح مباحث متفرقه به نفع مواضع دادگاه نمود و در تأیید موضع آقای بابائی که نظرشان بر تأیید حکم پنج سال حبس غیرقانونی بود، منتهی با این قول که ظرف مدت یک هفته به من آزادی مشروط داده و مرا از حبس آزاد کنند و اصلاً و به هیچ وجه شرطی مبنی بر عدم فعالیت من در قبال آزادی مشروط مطرح نبوده و من اساساً نمیدانم که آقای علیزاده موضوع نوشتن توبه نامه را در جلسه 97/5/10 و موضوع شرط عدم فعالیت در قبال آزادی مشروط را در جلسه مورخ 97/5/24 شعبه 36 تجدید نظر را از کجا و به چه دلیل آوردند؟! و اصولاً ایشان چرا اینقدر اصرار به طرح مسائل خارج از شرح موضوع رسیدگی دادگاه داشتند؟! در واقع اگر ایشان هم مانند سایر وکلا بر روی استناد به آرای دیوان محترم و بر اساس دفاعیه من که توافق شده بود، محکم ایستادگی میکرد، نتیجه دادگاه تجدید نظر می توانست لاقلاً همانی باشد که در جلسه دادگاه توافق شد. اما در نهایت بواسطه چراغ سبزه های ایشان به دادگاه، شعبه 36 تجدید نظر حکم پنج سال حبس غیرقانونی قاضی صلواتی را تأیید نمود و چون قاضی صلواتی در حکم صادره فقط 2 سال از 7 سال ایام بازداشت موقت قبلی مرا به حساب آورده بود (هم اکنون میشود 2/5 سال)، با این حساب غلط 2/5 سال دیگر باید در حبس بمانم و آقای علیزاده بجای اعتراض نسبت به این عمل غیرقانونی، مصاحبه کرده که من 2/5 سال از حبسم را گذرانیده ام و دادگاه برای 2/5 سال دیگر، دادگاه با آزادی مشروط من موافقت کرده است که پس از اعتراض و مخالفت من و سایر وکلا به مصاحبه ایشان، آنرا تکذیب نمود. ضمن این که ایشان همه اعمال ناهماهنگ و غلط را تلاش برای نجات جان من نامیده در حالیکه همه بخوبی میدانند که از سال 94 می بایستی طبق آرای دیوان محترم، حکم برانت و آزادی فوری من صادر میشد و این باج دهی ها معنایی نداشته است.

7- اتهام زنی به افراد از سوی آقای علیزاده مبنی بر اینکه: [افرادی ایشان را تحریک میکنند] بعلت اینکه به هیچ عنوان صحت ندارد و دیگران هیچگونه دسترسی به من نداشته اند و من نیز تحت تحریک افراد قرار نمیگیرم، گناهی بسیار بزرگ و خیانتی آشکار است و خط دهی به کارشناسان امنیتی و زمینه چینی برای دستگیری افراد محسوب میشود. بنابراین مسئولیت آتی این اظهار نظرهای غلط و نابجا متوجه ایشان است.

اما آقای علیزاده روند افترا زنی و بهتان را ادامه داده و در مورد خود من هم می نویسد : [چون ایشان عامدانه وارد بازی شده اند که پایان آن معلوم نیست] و این همان چیزی است که کارشناسان امنیتی سالهاست بدنبال طرح و اثبات آن هستند که با مواجه شدن با ناکامی در این مورد، اکنون با تبتانی با ایشان و از زبان کسی که وکیل مدافع پرونده ام می باشد، بتوانند مدرکی بتراشند تا با رو کردن آن ضمن جلوگیری از آزادی من توسط قاضی اجرای احکام بواسطه محاسبه ایام بازداشت موقت قبلی من از تاریخ 89/1/29 تاکنون (ماده 27 ق.م.ا)، اعاده دادرسی پرونده ام را نیز تحت تأثیر قرار دهند و این خیانتی نابخشودنی است که در حق من و عده دیگری روا داشته که با گذر زمان و آشکار شدن نتیجه این خیانت و افترا و همدستی با کارشناسان امنیتی، مسلماً بدون پاسخ باقی نخواهد ماند.

ایشان در ادامه این اظهارات افترا آمیز میگوید: [و با توجه به اینکه رویه کنونی ایشان و منتسبین به ایشان به هیچ وجه از نظر اینجانب مطلوب نبوده و متأسفانه اقدامات اخیر منتسب به این فرقه و...] که به این ترتیب کار را برای کارشناسان امنیتی تمام کرده و مدرک لازم را با شهادت دروغ خود در اختیار آنها بمنظور پی گیری اهداف پیش گفته، قرار میدهد. از جمله تهمتی را که تحت عنوان « فرقه » سالهاست نتوانسته اند ثابت کنند و به ما بچسبانند، از زبان ایشان بعنوان فردی مطلع از پرونده من، به مقصود خود برسند و ایشان نیز به شورای شهر و ... راه پیدا کنند و جزو وکلای مورد وثوق قوه قضائیه قرار بگیرند و...

8- اینجانب به صراحت اعلام میکنم که در رابطه با ادعاهای کذب آقای علیزاده، فریب هیچ کس و هج جانی را نخورده ام (بجز فریب ایشان را وکیل با سابقه و امین) و اصولاً در خلال سالها حبس در شرایط قرنطینه بازداشتگاه امنیتی 2- الف و... دسترسی به من وجود نداشته، که کسی یا جایی بخواهد مرا فریب بدهد و این توصیه نابخرادانه که فریب حمایت نهادهای حقوق بشری را نخورم، دقیقاً همان حرف های سالیان گذشته کارشناسان امنیتی است که این بار از دهان وکیل مدافع پرونده خودم خارج میشود تا از این طریق بتوانند ادعا کنند که حتی وکیل مدافع خود من هم بر علیه من شهادت و گواهی میدهد تا با ارائه این شهادت نامه به دیوان محترم، پرونده اعاده دادرسی مرا به مسیر دل خواه خود هدایت کنند و نشان بدهند که وکیل مورد اعتماد من نیز به این موارد واقف و به من هشدار و تذکر جدی داده است.

تنها اظهار نظر درستی که آقای علیزاده در بیانیه خود مطرح نموده و مورد تأیید من نیز می باشد، این است که دستگاه های امنیتی و قضائی به حمایت های حقوق بشری هیچ بهائی نمیدهند(مگر اینکه حمایت از زندانیان فلسطینی و اعتصاب غذای آنها در زندان های اسرائیل، یا حمایت از امثال شیخ نمر و... باشد و یا بر علیه عربستان، اسرائیل و امریکا که البته این کشورها نیز از دستگاه های امنیتی و قضائی ایران یاد گرفته اند که هیچ بهائی به این حمایت ها و صدور بیانیه ها علیه خود ندهند).

9- اینجانب با استناد به آرای صادره دیوان عالی محترم کشور، مرتکب جرم افساد فی الارض نشده ام که در نتیجه دستگیری و بازداشت موقت من از این بابت غیرقانونی بوده و لازم است حکم برانت و آزادی فوری من صادر شود و طبیعتاً غیر از اینرا نیز قبول نخواهم کرد و هیچگونه باجی تحت هیچ عنوان و بهانه ای نخواهم داد. بنابراین اگر به زعم آقای علیزاده جان من در خطر است صرفاً از جانب کارشناسان امنیتی و عوامل وابسته این تهدید وجود دارد که بصورتی غیرقانونی و با توسل به زور قصد دارند برانت و آزادی بدون قید و شرط مرا تبدیل به حبس منجر به آزادی مشروط کنند که در خلال استفاده از آزادی مشروط بتوانند پاپوش های جدید را به مورد اجرا بگذارند.

اما وکیل مدافع، حق اظهار نظر خارج از موضوع وکالت خود را ندارد و آقای علیزاده می بایست صرفاً با توجه به ادله پیش گفته نسبت به صدور حکم برانت و آزادی فوری من در شعبه 36 تجدید نظر (که با شکایت از عدم صلاحیت دادگاه تجدید نظر در رسیدگی به پرونده و ارسال پرونده به دیوان محترم به هنگام ارجاع پرونده به شعبه 36 به بهانه اتلاف وقت، مخالفت کردند و این نیز اشتباه بزرگ بود)، این پرونده را به سرانجام قانونی مطلوب برسانند. ولیکن ایشان به غیر از کارشکنی در مقابل شکایات من، وارد تبتانی با کارشناسان امنیتی و اظهار نظرهای غلط و افترا آمیز و تهمت به افراد شده است. آنها صرفاً با استناد به یک بیانیه ای که به قول خودشان منتسب به من است و هنوز از صحت و سقم آن مطمئن نیست و هیچگونه اطمینانی کسب نکرده است و این ثابت میکند که ایشان (آقای علیزاده) وارد بازی (ای) شده اند که پایان آن معلوم است. لذا با اینکه احساس میکنم صدور بیانیه ایشان در حد خیانت آشکار و تخلف از اخلاق وکالت، نشر اکاذیب و تشویض اذهان عمومی، بهتان و افترا به افراد و... می باشد، حق شکایت از اقدامات ایشان را

برای خود محفوظ می دارد که در صورت بروز پیامدهای منفی در این رابطه در آینده، مطابق قانون اقدام شود) ضمن ارسال گزارش و پیوست این جوابیه برای کانون محترم وکلا)

لازم به ذکر است که آقای سید محمود علیزاد طباطبائی در تاریخ 97/6/5 از وکالت اینجانب عزل شدند و از این پس دیگر هیچگونه مسئولیتی در قبال پرونده اینجانب ندارند.

10- موضوع توبه نامه (در قبال جرمی که مرتکب نشده ام) و عدم فعالیت (با توجه به اینکه همه فعالیت ها در چارچوب قانون صورت گرفته است) هیچ گونه ارتباطی به دادگاه شعبه 15 دادگاه انقلاب بعنوان شعبه هم عرض و دادگاه تجدیدنظر (شعبه 36) نداشته است و این شعبه فقط می بایستی به متابعت از آرای صادره دیوان محترم اقدام به انشای رای می نمودند که با توجه به اینکه اتهام انتسابی افساد فی الارض ماهیتاً مردود بوده، حکم برائت و آزادی فوری مرا صادر میکردند و هم اکنون نیز قاضی اجرای احکام می بایستی طبق ماده 27 (ق.م.ا) با احتساب ایام بازداشت موقت من از تاریخ 89/1/29 تاکنون حکم آزادی فوری بدون قید و شرط مرا صادر کند، ضمن اینکه پرونده در جریان اعاده دادرسی، برطبق آرای صادره دیوان محترم نیز منجر به برائت شود.

11- موضع دیگر انتشار لوایح، دفاعیات و.. چه اشکال قانونی، شرعی، اخلاقی و ... داشته که آقای علیزاده را تا این حد ناراحت نموده و به آن اعتراض نموده، در اینمورد آنهایی باید ناراحت باشند که با انتشار این مدارک، پرده از روی اقدامات مجرمانه سازمان یافته مقامات قضائی مرتبط با پرونده را کنار می زند و آنها را افشا میکند. از جمله: اقدام به شروع قتل عمد به دفعات از طریق تخطی، انحراف و سوء استفاده از قانون، دستگیری و بازداشت غیرقانونی من و دیگران و... (با استناد به شکایات ارائه شده از سال 90 تاکنون).

12- ...

با آرزوی توفیق الهی

محمد علی طاهری